

Effect of the normalization of relations between the Zionist regime and the Arabs on the security of Syria

behzad ghasemi ¹ | salar norozi ² | mohammad jalhliyan ³

¹ Associate Professor of the History of the Islamic Revolution, Department of Geopolitics of the Axis of Resistance, Faculty of International Studies, Imam Hossein University (AS), Tehran, Iran. Ghasemi.b@ihu.ac.ir

² PhD student in Regional Studies, Faculty and Research Institute of International Studies, Imam Hossein (AS) University, Tehran, Iran.

³ PhD in Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran.

Abstract

With the signing of the Ibrahim agreement, Arab-Israeli relations in the West Asian region have entered a new phase of their life. This agreement has many different effects at the international, regional and domestic levels. Accordingly, the main issue of this research is the effect of the signing of this agreement between Israel and the Zionist regime on the security of Syria. Based on this, the hypothesis of this article is that this agreement affects the security of Syria at three international, regional and domestic levels, and in all three sections, indicators were defined, based on which the impact of the Ibrahim agreement on the security of Syria was evaluated. Is. According to the study, the hypothesis of this research has been confirmed. The method used in this research is library and using resources available on the Internet.

Keyword: Ibrahim agreement, Syria, security, axis of resistance, Zionist regime

تأثیر عادی سازی روابط رژیم صهیونیستی با اعراب بر امنیت سوریه

سالار نوروزی^۱ | بهزاد قاسمی^۲ | محمد جلیلیان^۳

۱۳

سال هفتم

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۵/۱۶

صص: ۳۰-۱

شابا جایی: ۶۳۲۸-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۱۶۵۵-۲۷۱۷



DOR:

چکیده

امضای «توافقات ابراهام» و برقراری روابط رسمی میان رژیم صهیونیستی و برخی کشورهای عربی، غرب آسیا را به دوره‌ای تازه از معادلات سیاسی وارد کرده است که پیامدهای آن در سطوح فراملی، منطقه‌ای و داخلی کشورهای درگیر، واجد ابعاد متفاوتی است. پژوهش حاضر با هدف بررسی دقیق این تحول، در پی پاسخ به این پرسش بنیادین است که عادی سازی روابط میان اسرائیل و امارات متحده عربی چگونه امنیت ملی سوریه را متأثر می‌سازد؟ فرضیه این نوشتار بر آن است که توافق مذکور از طریق شاخص‌های تعریف شده در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، امنیت سوریه را تحت الشعاع قرار می‌دهد؛ گزاره‌ای که در نهایت با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و ارزیابی داده‌های موجود، مورد تأیید قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها: توافق ابراهیم، سوریه، امنیت، محور مقاومت، رژیم صهیونیستی

۱. دانشجوی دکتری، گروه مطالعات منطقه‌ای، دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه- السلام)، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، گروه تاریخ انقلاب اسلامی، دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)، تهران، ایران. Email: ghasemi.b@ihu.ac.ir

۳. دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران.

مقدمه و بیان مسئله

غرب آسیا یا آنچه که به آن خاورمیانه گفته می‌شود، به عنوان یک منطقه جغرافیایی واقع در محل اتصال سه قاره بزرگ اروپا، آسیا و آفریقا و دریای مدیترانه و اقیانوس هند است. این منطقه از ابعاد استراتژیک بسیار متفاوت برخوردار است. علاوه بر این اهمیت، با آغاز قرن بیستم و کشف نفت و گاز طبیعی «سرنوشت منطقه» به طرز چشمگیری تغییر کرد؛ زیرا در خاورمیانه می‌توانیم بزرگ‌ترین ذخیره نفتی را پیدا کنیم که قدرت‌های دیگر را ترغیب به حضور در این منطقه می‌کنند.

با بررسی تاریخی، به طور کلی چهار محور اصلی حول چهار کشور در این منطقه قابل‌شناسایی است. محور اول حول ایران است که با هویتی شیعی - اسلامی (محور مقاومت) قابل‌بازشناسایی است. محور دوم هویت عربی، سنی، اسلامی که حول کشور عربستان سعودی تعریف می‌شود. محور سوم ترکیه با هویت ترکی است و محور چهارم که از خارج از منطقه تحمیل شده است هویت عبری - غربی با محوریت رژیم صهیونیستی است. بررسی تاریخ سده اخیر منطقه حاکی از تحولات گوناگون در این حوزه می‌باشد. اما با پیروزی انقلاب اسلامی و گسترش محور اسلام شیعی در این منطقه و همچنین در پرتوی راهبرد سیاست خارجی تعادل از دور آمریکا از بیش از یک دهه پیش، دو محور عبری و عربی در مسیر نزدیکی به یکدیگر قرار گرفتند به گونه‌ای که با روی کار آمدن دونالد ترامپ سندی تحت عنوان توافق قرن یا توافق ابراهیم بین کشورهای محور عربی با رژیم صهیونیستی (در این رابطه در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد) که هدف اصلی آن نزدیکی بیش از پیش دو محور عبری عربی به هم برای هم‌افزایی در عرصه‌های مختلف برای مقابله با ایران یا محور مقاومت بوده است، به امضا رسیده است (احمدیان، جاودانی مقدم، ۱۴۰۲: ۱۳۳-۱۳۲).

از سویی دیگر در دوران پس از پایان داعش، با توجه به افزایش توان محور مقاومت در منطقه و پر شدن خلا از بین رفتن داعش توسط محور مقاومت و گروه‌های شیعی در این منطقه، محور عبری - عربی سعی در نزدیکی به یکدیگر دارند. بر همین اساس به نظر می‌رسد که بررسی تأثیر نزدیکی محورهای عربی و عبری بر محور مقاومت مسئله مهمی باشد. این سند بین رژیم

صهیونیستی و امارات متحده عربی و بحرین و مراکش امضا شده است. از سمتی دیگر با فروکش کردن جنگ داخلی در سوریه این تحولات بیش از پیش در معرض توجه قرار گرفته است. بر همین اساس به طور مشخص مسئله و سؤال اصلی این نوشتار این است که امضای توافق ابراهیم بین اعراب و رژیم صهیونیستی چه تأثیری بر امنیت سوریه به عنوان یکی از کشورهای محور مقاومت دارد؟ فرضیه نوشتار پیشرو نیز این است که امضای این توافق اثرات قابل توجهی بر امنیت سوریه دارد، به عبارت صحیح‌تر در شاخصه‌های نظم منطقه‌ای و موازنه تهدید، انزوای محور مقاومت، احیا و توسعه گروه‌های تکفیری، تضعیف فشار اسد و نهایتاً خارج کردن سوریه از محور مقاومت را به دنبال خواهد داشت.

بر همین اساس چارچوب نظری مجموعه امنیت منطقه‌ای باری بوزان برای این نوشتار انتخاب شده است. پس از آن به بررسی ادبیات پژوهش پرداخته شده است. سپس ضمن ارائه یک تاریخچه کوتاه از روابط اعراب و اسرائیل به علل گرایش به این توافق شده اشاره شده و در نهایت با ارائه شاخصه به بررسی اثر این توافق بر شاخصه‌های گفته شده پرداخته شده است.

مبانی نظری

نظریه مجموعه امنیت منطقه‌ای معتقد است که امنیت بین‌المللی باید از منظر منطقه‌ای بررسی شود و روابط بین دولت‌ها (و سایر بازیگران) الگوهای منظم و خوشه‌ای جغرافیایی را نشان می‌دهد. مجموعه امنیتی منطقه‌ای اصطلاحی است که توسط بوزان و ویور برای توصیف چنین ساختارهایی ابداع شده است. مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای به عنوان الگوهای متمایز و پایدار تعامل امنیتی بین بازیگران تعریف می‌شوند. آن‌ها با درجات تعامل از یکدیگر متمایز می‌شوند. سطح تعامل بین اعضای مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای یکسان بالا است، در حالی که بین اعضای مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای غیریکسان نسبتاً پایین است (این مورد در ادامه بیشتر توضیح داده خواهد شد). همان‌طور که از نام آن پیداست، مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای طبیعتاً جغرافیایی هستند و از بازیگران همسایه تشکیل شده و توسط موانع طبیعی مانند اقیانوس‌ها، صحراها و رشته‌کوه‌ها از یکدیگر جدا شده‌اند. دولت‌های منفرد نیز می‌توانند به عنوان «عایق» بین مجتمع‌های امنیتی منطقه‌ای عمل کنند (Ingersoll-Stewart and Fraizer, 2010, 732-735).

در مصطلح ترین تعریف مجموعه امنیتی به معنای مجموعه‌ای از کنشگران گروهی گفته می‌شود که دغدغه اصلی امنیتی آنها به هم گره خورده است، به طوری که امنیت آنها را نمی‌توان به طور جداگانه مورد توجه قرار داد. از دید این نظریه شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی ناشی از فشارهای ناشی از نزدیکی جغرافیایی از یک سو و ساختار انارشیک و پیامدهای آن برای توازن قوا است. بوزان در مجموع به چهار سطح تحلیل معتقد است: ۱- سطح داخلی، ۲- سطح منطقه‌ای، ۳- بینا منطقه‌ای و ۴- سطح جهانی. در سطح داخلی به ویژگی‌های منحصر به فرد هر یک از دولت‌ها اشاره می‌کند که باعث آسیب‌پذیری آنها می‌شود. در سطح منطقه به روابط دولت‌ها توجه می‌شود. در سطح بین منطقه‌ای به روابط مناطق با مناطق دیگر اشاره می‌شود و در سطح جهانی نیز بر نقش قدرت‌های بزرگ در منطقه تأکید می‌شود (Waever and Buzan, 2003, 51).

این نظریه معتقد است که اقدامات و انگیزه‌های بازیگران در زمینه امنیت بین‌المللی به شدت منطقه‌ای است. همان‌طور که گفته شد این بدان معنی است که نگرانی‌های امنیتی یک بازیگر اساساً در همسایگی آنها ایجاد می‌شود. امنیت هر یک از بازیگران در یک منطقه با امنیت بازیگران دیگر در تعامل است (Gupta, 2010, 55).

درک این تئوری به دلیل وجود بازیگرانی با منافع امنیتی جهانی و قابلیت‌های پخش نیروی نظامی در سطح جهان بسیار سخت به نظر می‌رسد. در پاسخ به این مسئله بوزان و ویور معتقدند که حتی منافع امنیتی قدرت‌های جهانی اساساً ماهیت منطقه‌ای دارد. دخالت آنها در مسائل امنیت منطقه‌ای اغلب باید به عنوان کنش‌های منطقه‌ای درک شود نه به عنوان یک کنش جهانی (academic-accelerator. om.2023).

بوزان در این نظریه منافع امنیتی را در درجه اول دارای ماهیت منطقه‌ای می‌داند. این در تقابل با دیدگاهی واقع‌گرایانه در دوران جنگ سرد که سیاست امنیتی را عمدتاً بازتابی از منافع قدرت‌های بزرگ جهانی می‌داند، است. به عنوان مثال بوزان و ویور به خاورمیانه جایی که چشم‌انداز امنیتی با وجود پایان جنگ سرد هیچ تغییر مؤثری را مشاهده نکرده است اشاره می‌کنند. آنها معتقدند که پویایی‌های امنیتی در این منطقه تقریباً مستقل است، به این معنا که با وجود پایان جنگ سرد و از بین رفتن قطب‌بندی جنگ سرد، تعارضات بین رژیم صهیونیستی و اعراب و ایران ادامه داشت. ساختار مجموعه امنیتی دارای چهار مؤلفه اصلی است که شامل ۱- آنارشیک، ۲-

قطبش، ۳-مرز، و ۴-ساخت اجتماعی است. مؤلفه اول به معنای پذیرش دولت محور و سرزمینی بودن دولت ها و نبود اقتدار و حاکمیت مرکزی جهانی از سمت این نظریه است. مؤلفه، قطبش بیانگر توزیع قدرت در میان واحدهای محیط آنارشیک است. مرز نیز به عنوان عامل جدا کننده یک منطقه از دیگر مناطق است و نهایتاً ساخت اجتماعی که بیانگر الگوهای دوستی و دشمنی است. با توجه به آنچه که گفته شد می توان مجموعه امنیتی را به دو دسته کلی تقسیم کرد. یک مجموعه امنیتی استاندارد و مجموعه امنیتی مرکز گرا و از دل این دو نوع انواع متفاوتی دیگری مجموعه های امنیتی استخراج می شود.

مجموعه های امنیتی منطقه ای یک دیدگاه نظری برای ساخت مناطق جهانی بر اساس میزان دشمنی و دوستی موجود در بین کشورها ارائه می دهد. «دوستی» به روابط بین دولت ها اعم از دوستی واقعی تا انتظار حمایت یا پشتیبانی اشاره دارد. از طرف دیگر «دشمنی» به روابط بین ایالتی ناشی از ظن و ترس اشاره دارد. الگوهای دوستی و دشمنی ناشی از موضوعات مختلفی از اختلافات مرزی و ترازهای ایدئولوژیک گرفته تا پیوندهای تاریخی دیرینه چه مثبت یا منفی است. دشمنی می تواند به ویژه در هنگام دستیابی به شخصیت تاریخی بین مردمان، همان طور که بین اعراب و اسرائیلی ها یا ایرانیان و عراقی ها وجود دارد، دوام داشته باشد. برای به دست آوردن تصویری جامع تر از امنیت منطقه ای، باید به الگوهای دوستی/دشمنی روابط قدرت های بزرگ را در بین دولت های منطقه ای نیز اضافه کرد (Buzan, 1991, 190).

عامل اصلی تعریف یک مجموعه معمولاً سطح بالایی از تهدید و ترس است که در بین دو یا چند کشور احساس متقابل می شود. پرونده های اعراب و اسرائیل و ایران و اسرائیل به وضوح نشان می دهند که میزان پویایی محلی همسایه توسط لفاظی های امنیتی دولت ها نسبت به یکدیگر، با استقرار نظامی آنها و با سابقه درگیری های آنها ارتباط مستقیم دارد. از سمتی دیگر رابطه مصر و اردن نشان می دهد که سطح بالایی از اعتماد و دوستی نیز می تواند به عنوان یک نیروی الزام آور عمل کند. این امر به این دلیل است که وابستگی متقابل امنیت می تواند مثبت و همچنین منفی باشد. روش دیگری که در آن می توان مجتمع های امنیتی را شناسایی کرد، اشاره به نقش عوامل اقتصادی است. این عامل در تقویت و ایجاد یکپارچگی یا از هم گسیختگی مجموعه منطقه دخالت دارد (Koch, Bettina and Stivachtis, Yannis A, 2019).

با توجه به تعریف مجموعه امنیتی می‌توان خاورمیانه را به عنوان یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تلقی کرد. در این مجتمع ترکیه و افغانستان به ترتیب به عنوان کشور عایق مجتمع‌های امنیتی اروپا و جنوب آسیا هستند. اولین و تعیین‌کننده اصلی‌ترین زیرمجموعه در خاورمیانه، مجموعه‌ای است که در شام بین اسرائیل و همسایگان عرب آن متمرکز است و جنگ‌های منطقه‌ای زیادی را به وجود آورده است. این زیرمجموعه نتیجه و بازتاب مبارزه محلی بین اسرائیل و فلسطینی‌هاست که خصومت بسیار گسترده‌تری را بین اسرائیل از یک سو و همسایگان نزدیک آن و همچنین جهان عرب گسترده‌تر ایجاد کرده بود و از سوی دیگر، این مبارزه تا حدی تحت‌الشعاع درگیری بین اسرائیل و جهان اسلام گسترده‌تر بوده است. دومین زیرمجموعه در خاورمیانه، رقابت مثلی میان ایران، عراق و کشورهای عربی خلیج فارس به رهبری عربستان سعودی است. به این رقابت اصلی، می‌توان رقابت پیرامونی بین یمن و عربستان سعودی را نیز اضافه کرد. (Buzan and Waever 2003, 155)

پیشینه پژوهش

کلیاو جانز و یوئال گوزانسکی (۲۰۲۰) در کتاب «رژیم صهیونیستی و پادشاهی‌های خلیج فارس» معتقدند روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس که در سال‌های اخیر شکلی مشهود به خود گرفته است، برای کارشناسان و ناظران تخصصی منطقه غرب آسیا امر جدیدی نیست. چرا که روابط دیپلماتیک در سطوح پایین میان قطر و عمان با رژیم صهیونیستی پس از توافقنامه اسلو در سال ۱۹۹۳، روابط دوستانه شیخ عبدالله بن زاید با سران رژیم صهیونیستی به رغم عدم وجود روابط رسمی و حتی گفتگوهای پنهانی عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی تنها نمونه‌هایی از این روابط پنهانی بوده‌اند. از نظر نویسندگان کتاب، عامل اصلی در برقراری روابط بین دو طرف خنثی کردن جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران بوده است و به نظر می‌رسد این روابط به رغم اختلافات کشورهای عربی و رژیم صهیونیستی در بسیاری از حوزه‌ها، سرانجام به شکل‌گیری نظم جدید منطقه‌ای در غرب آسیا منجر شده و نوعی کمر بند امنیتی بر علیه ایران و محور مقاومت مانند سوریه ایجاد کند.

تیم ولترز (۲۰۲۱) در اثر خود معتقد است با وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۵۹ در ایران، یکی از بزرگ‌ترین تغییرات در ساختار قدرت در منطقه غرب آسیا اتفاق افتاد و ایالات متحده یکی از متحدان اصلی خود در منطقه را از دست داد. از آن زمان تاکنون ایالات متحده آمریکا و متحدانش یعنی عربستان سعودی، امارات متحده عربی و رژیم صهیونیستی در جنگ قدرت با ایران در مورد کنترل غرب آسیا هستند. نویسنده این کتاب معتقد است به ویژه از سال ۲۰۱۱ و پس از خروج آمریکا از برجام و نیز در گیر شدن روزافزون ایران در جنگ‌های نیابتی منطقه‌ای در سوریه و یمن، تنش میان ایران و متحدان منطقه‌ای ایالات متحده آمریکا به اوج رسیده است و در نتیجه یکی از عوامل نزدیکی هرچه بیشتر اعراب و رژیم صهیونیستی از دریچه قدرت گرفتن محور مقاومت در منطقه و حضور فعالانه نظامی آن قابل بررسی است.

محمدرضا ملکای و محمدرضا ابراهیمی (۱۳۹۹) در اثرشان با عنوان «چشم‌انداز صلح غرب آسیا در سایه عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب» موضوعی نزدیک به نوشتار حاضر دارد. در این اثر مهم‌ترین عاملی که به همگرایی رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای منطقه منجر شده است نگرانی‌های امنیتی مشترک رژیم صهیونیستی و اعراب در قبال ایران و نیز پیشبرد بهتر منافع ملی بوده است تا جایی که از شکل‌گیری غرب آسیا جدید سخن به میان آمده است. این اثر در پاسخ به پرسش این پژوهش به طور کلی معتقد است توافق ابراهیم باعث افزایش ضریب امنیتی رژیم در سطح منطقه شده است و از سمتی دیگر باعث کاهش ظرفیت محور مقاومت و سوریه می‌شود. با این حال نویسندگان مقاله معتقدند گرچه این توافقات و گسترش دامنه آن به دیگر کشورهای عربی می‌تواند موجب کاهش تنش‌های منطقه‌ای و ارتقای ضریب امنیتی برای رژیم صهیونیستی شود؛ اما تاریخ نشان داده است که این گونه توافقات نمی‌تواند به حل نهایی قضیه فلسطین کمک کند مادام که طرفین اصلی مناقشه، رژیم «صهیونیستی و فلسطین بر موضع همیشگی خود تأکید ورزند».

جانانان فولتن (۲۰۲۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای معامله صلح رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی کدام‌اند» به این موضوع می‌پردازد که رژیم موضع ژئوپلیتیکی را از سرزمین‌های اشغالی دور کرده است و پس از آن بانفوذ هرچه بیشتر در منطقه خلیج فارس از سه فرصت ناشی از این اقدام استفاده می‌کند: ۱- دستیابی به آب‌های آزاد، ۲- ثروت بی‌شمار اعراب شامل نفت و گاز

و موقعیت آنها بر علیه ایران. این اثر در پاسخ به سؤال این پژوهش فقط در بخش آخر به آن پرداخته است. به طور کلی در بین آثار پیش گفته این موضوع به طور کلی پاسخ شفاف و روشنی به سؤال این پژوهش داده نشده است و نوآوری این نوشتار در این موضوع است که به طور مشخص به دنبال بررسی اثر توافق ابراهیم بر امنیت ملی سوریه است.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به کار گرفته شده در این مقاله نیز توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

سؤالات پژوهش

با توجه به آنچه که گفته شد سؤال اصلی این پژوهش این است که امضای توافق قرن بین رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی چه تأثیری بر امنیت سوریه به عنوان یکی از کشورهای محور مقاومت دارد؟ در پاسخ به این سؤال آثار متفاوتی را می‌توان بر شمرد. در بین آثار علمی تولید شده برخی از لحاظ موضوعی دورتر نسبت به نوشتار حاضر و برخی نزدیک‌تر است که در ادامه به آنها اشاره شده است.

یافته‌های پژوهش

پیامدها عادی‌سازی اعراب و اسرائیل بر امنیت سوریه

پیامدهای عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل بر امنیت سوریه در سه سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی قابل تصور است. بر همین اساس قبل از آن به نظر می‌رسد که باید علل گرایش اعراب و اسرائیل در همین سه سطح بررسی شود.

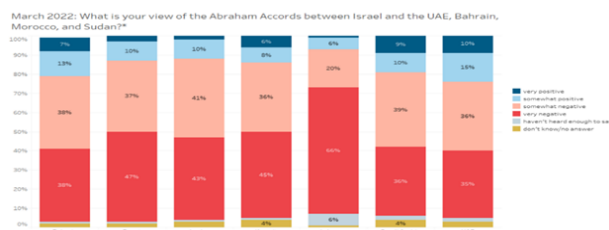
علل گرایش اعراب و اسرائیل به عادی‌سازی روابط

علل گرایش اعراب به رژیم صهیونیستی در سه سطح ۱- بین‌المللی، ۲- منطقه‌ای و ۳- داخلی می‌توان جستجو کرد. در سطح اول فرصت‌طلبی روسیه در خاورمیانه و اوج‌گیری قدرت اقتصادی

چین در منطقه و سر برآوردن قدرت‌های منطقه‌ای از جمله ایران و ترکیه به عنوان بازیگران کلیدی باعث تشدید حضور و باز آرایش آمریکا و متحدان آنها در منطقه است (مقومی، ۱۳۹۹: ۳) (زیبایی، نصیری و رستمی، ۱۴۰۰: ۴۲) (آرایش و حسینی راد، ۱۴۰۱: ۶۸). همچنین امضای توافق برجام در سطح بین‌المللی عامل دیگر نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی است (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۱-۱۱۰).

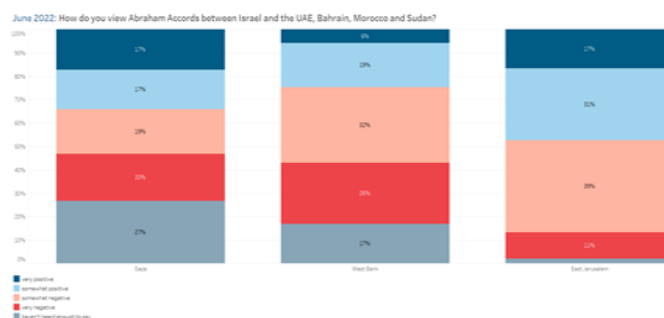


شکل ۱- کشورهای امضای کننده توافق ابراهیم و کشورهای مخالف توافق ابراهیم (defense.info, 2020)
در سطح منطقه‌ای حفظ توازن قوا در مقابل پیشرفت‌های ژئوپلیتیکی ایران باعث نزدیکی اعراب و اسرائیل شده است (اختیاری امیری و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۱۴-۱۱۰) (ملکی و محمدزاده ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۵۸). همچنین در سطح داخلی مسائل داخلی در هر دو سمت توافق از جمله مشکلات اقتصادی، نیاز به حمایت خارجی در مقابل با مخالفان داخلی، مدیریت افکار عمومی از جمله دلایل ایجاد نزدیکی به یکدیگر است (دشتی و همکاران، ۱۴۰۲: ۸۸).

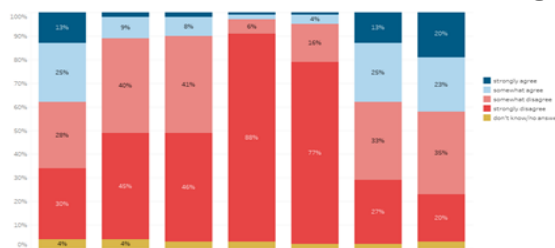


نمودار ۱- نگاه افکار عمومی به عادی سازی روابط کشورهای عرب با رژیم صهیونیستی (washingtoninstitute.org, 2022)

مهم ترین مؤلفه سنجش در این زمینه، افکار عمومی است. بر همین اساس نگرش ها به توافق ابراهیم در کشورهای عربی غرب آسیا به قرار زیر است. در نمودار شماره ۲ این موضوع در بین کشورهای امارات، مراکش بحرین و سودان به نمایش درآمده است.



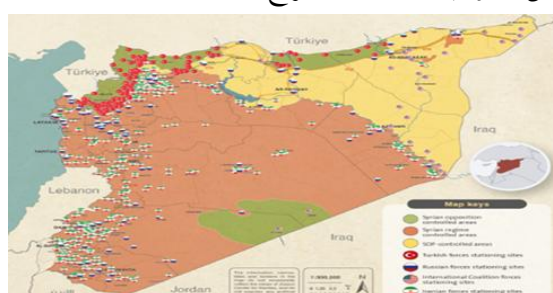
نمودار ۲- نگاه افکار عمومی به توافق ابراهیم در کشورهای عربی (washingtoninstitute.org, 2022)
 در همین زمینه یکی از مسائلی که باعث توقیت افکار عمومی است، ارتباطات تجاری و ورزشی است که در نمودار شماره ۳ به وضوح میزان اقبال به این نوع از ارتباطات نشان داده شده است. نظرات در مورد روابط تجاری و ورزشی غیردولتی با اسرائیلی ها، در سراسر جهان عرب متفاوت است. به طور خاص، به نظر می رسد تغییر قابل توجه و پایداری در افکار عمومی در برخی از کشورهای حاشیه خلیج فارس وجود دارد.



نمودار ۳- اقبال ارتباطات بین رژیم و کشورهای عربی در زمینه تجارت و ورزش (washingtoninstitute.org, 2022)

تا به این قسمت ضمن توضیح تاریخچه کلی از روابط اعراب و اسرائیل، دلایل گرایش اعراب به رژیم صهیونیستی در سه سطح بین المللی، منطقه ای و داخلی مورد بررسی قرار گرفت. در ادامه به بررسی پیامدهای توافق ابراهیم بر کشور سوریه از لحاظ موضوعی پرداخته می شود.

در یک نگاه کلان با توجه به آنچه که در ۱۳ سال اخیر در منطقه رخ داده است، سوریه در وضعیت قبل نیست؛ به عبارت دقیق تر ضعیف ترین حلقه محور مقاومت است. با این وجود هنوز گسل های بسیار مهمی در این کشور فعال است که فرصت بسیار خوبی برای استفاده کشورهای دشمن سوریه است (crsreports.congress.gov, 2023). ژئوپلیتیک سوریه به گونه ای است که جایگاهی راهبردی به این کشور بخشیده است (سراج، ۱۳۹۰: ۵) (Hokayem -E, 2007, 44).



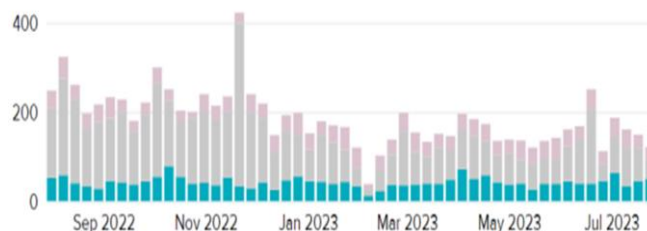
شکل ۲- حضور نیروهای خارجی در سوریه (sgp.fas.org, 2022)

همان طور که از شکل شماره ۲ پیدا است، بخشی قابل توجهی از این کشور در اختیار کشورهای متخاصم است.

جدول ۱- تعداد حضور نیروهای خارجی به تفکیک کشور و نوع حضور
(sgp.fas.org, 2022)

اسامی کشورهای	پایگاه نظامی	نقاط حضور نظامی	جمع کل
ایران	۵۵	۵۱۵	۵۷۰
روسیه	۲۰	۸۵	۱۰۵
ترکیه	۱۵	۱۱۳	۱۲۵
آمریکا	۱۷	۱۳	۳۰

با توجه به حضور نیروهای مختلف در سوریه، روند حوادث امنیتی در این کشور قابل توجه است. با توجه به تعاریف متفاوت از مفهوم حوادث امنیتی، تعداد این گونه حوادث متفاوت است.



نمودار ۴- روند حوادث امنیتی از سپتامبر ۲۰۲۲ تا جولای ۲۰۲۳ در سوریه

(sgp.fas.org, 2022).

با این وجود ۹۶۸۹ حادثه امنیتی در سوریه ثبت شده است: ۲۱۸۲ مورد به عنوان یک درگیری نظامی، ۵۶۸۱ مورد به عنوان انفجار/بمب‌گذاری از راه دور و ۱۸۲۶ مورد به عنوان ترور افراد غیرنظامی قابل شناسایی است. در همین زمینه بیشترین حوادث امنیتی در حلب (۲۷۳۵)، ادلب (۱۸۳۷) ثبت شده است.

براساس آنچه که تاکنون گفته شد، تأثیرات توافق ابراهیم بر امنیت سوریه از سه دید بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی قابل تصور است. بر همین اساس این تأثیرات در این سه بخش در ادامه بررسی می‌شود.

جدول ۲- تأثیرات توافق ابراهیم بر امنیت سوریه

<p>بمباران شهرها و فرودگاه‌های سوریه توسط رژیم صهیونیستی</p> <p>احیاء، توسعه و رشد گروه‌های تکفیری و آموزش آنها</p> <p>تضعیف و احتمال برکناری بشار اسد</p> <p>تقویت گروه‌های معارض سوری</p> <p>تقویت افراد در شرق فرات</p> <p>فشار ورود پناهیجویان به داخل سوریه</p> <p>افزایش فعالیت‌های ستیزه‌جویانه گروه‌های داخلی برعلیه مهاجران</p> <p>افزایش هزینه‌های دولتی و انسانی سوریه</p> <p>مدیریت پناهندگان و چالش‌های آن</p> <p>کاهش حضور گروه‌های مورد حمایت حماس در سوریه</p> <p>مسائل بشردوستانه</p>	تأثیر داخلی بر امنیت
نظم جدید منطقه‌ای و موازنه تهدید	تأثیر منطقه‌ای بر امنیت

<p>انزوای منطقه‌ای محور مقاومت</p> <p>ایجاد ترتیبات امنیتی جدید (ایجاد ناامنی برای کشور سوریه، ایجاد پیمان امنیتی با همسایگان سوریه)</p> <p>خارج شدن سوریه از محور مقاومت و رفتن به دامن غرب</p> <p>اثرگذاری بر مذاکرات امنیتی در سطح منطقه‌ای پیرامون سوریه</p> <p>کاهش توجهات بین‌المللی به سوریه و بحران‌های آن</p> <p>موج مهاجرت و پناهنجویان</p>	
<p>تضعیف امنیت بین‌المللی</p> <p>افزایش اختلاف اقتصادی بین‌المللی</p> <p>اخلال و توقف در دریاوردی بین‌المللی</p> <p>قطبی‌سازی عمیق سیاسی بین‌المللی</p> <p>تغییر ماهیت جنگ ناشی از بازیگران غیردولتی متخاصم در سطح بین‌المللی</p> <p>چالش‌های استراتژیک جدید در سطح بین‌المللی</p> <p>کاهش حمایت آمریکا از رژیم صهیونیستی در منطقه</p>	تأثیر بین‌المللی بر امنیت

سطح بین‌المللی و منطقه‌ای

واقعیت آن است که علی‌رغم وجود شرکای منطقه‌ای ایران و تلاش این کشور جهت حفظ عمق استراتژیک و نفوذ در منطقه، توافق ابراهیم موانع و مشکلاتی را برای ایران ایجاد کرده و شرایط حمایت این کشور از متحدان منطقه‌ای نظیر حزب‌الله لبنان، انصارالله و سوریه را دشوار ساخته است. در همین رابطه، اقداماتی نظیر حمله به نیروهای سپاه قدس در سوریه، از بین بردن خطوط حمایت و پشتیبانی حزب‌الله لبنان و همچنین معرفی کردن این جنبش به عنوان یک سازمان تروریستی از سوی قدرت‌های بین‌المللی نظیر آمریکا و بریتانیا و حتی اقدامات تنبیهی علیه برنامه‌های موشکی ایران تا حدود زیادی حاصل سیاست‌ها و لابی‌گری‌های مشترک لابی‌های عربی و عبری است. از سوی دیگر، حمایت آمریکا از ائتلاف عبری - عربی سبب شده تا عربستان و اسرائیل با آزادی عمل کامل اقدام به تجاوز نظامی علیه نیروهای جبهه مقاومت تحت حمایت ایران در کشورهای همسایه نظیر یمن و سوریه کنند. تداوم این روند می‌تواند تسلط ایران بر محیط پیرامونی و منطقه نفوذ خود را با چالش مواجه سازد. همچنین آمریکا با فروش تسلیحات گسترده به

عربستان و اسرائیل و تقویت نظامی آنها، بسترهای مسابقه تسلیحاتی و معمای امنیت را در منطقه تقویت کرده است. این موضوع به نوبه خود منابع اقتصادی ایران را به سوی تقویت توانمندی نظامی به جای توسعه اقتصادی سوق خواهد داد (احمدیان و جاودانی مقدم، ۱۴۰۲: ۱۳۶-۱۴۰).

بر اساس نظر اندیشکده میتویم سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در منطقه بر اساس اولویت‌های زیر سامان می‌یابد. بر همین اساس مسئله مهم سیاست خارجی این رژیم این موارد است: ۱- همسایگی جدید فراتر از عرصه جغرافیایی (توافق ابراهیم)؛ ۲- منافع مشترک در عرصه نفت و انرژی و اقتصاد؛ ۳- روابط محرمانه برخی کشورها عربی با اسرائیل؛ ۴- بحران سوریه و محور مقاومت و ۵- برنامه هسته‌ای ایران. همان‌طور که از این اولویت بر می‌آید محور مقاومت و سوریه در یک ردیف قرار دارند. این موضوع برای رژیم بیانگر این است که از منظر آن مسیر برخورد با محور مقاومت از رهگذر سوریه می‌گذرد (mitvim.org.il, 2018).

این موضوع برای اعراب نیز صادق است. کشورهای جنوب خلیج فارس از دیرباز سیاست اتکا به هژمون را در دستور کار سیاست خارجی خود داشتند. بر همین اساس بنیان سیاست خارجی این کشورها اتکای کامل و بی‌چون چرا بر آمریکا بوده است. با ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت اقتصادی و کاهش توجه آمریکا در این منطقه و همچنین پیروی سیاست انتقال به شرق، باعث کم‌رنگ‌تر شدن نشان داده شدن حضور آمریکا شده است. از سمتی دیگر با افزایش ظرفیت سیاست خارجی ایران پس از اعلام پایان داعش توسط ایران و توفیق محور مقاومت و با توجه به خلاء پیش آمده ناشی از خروج تدریجی آمریکا از منطقه کشورهای جنوبی خلیج فارس و رژیم صهیونیستی سعی در نزدیکی به یکدیگر داشتند، همان‌طور که در دکترین جدید آمریکا عادی‌سازی روابط رژیم با اعراب به معنای تقویت نقش آمریکا در منطقه می‌باشد. این نزدیکی باعث ایجاد یک جبهه واحد در مقابل محور مقاومت می‌شود (معتصد راد و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۸۸).

این موضوع با توجه به وضعیت سوریه که پیش از این توضیح داده شد، باعث انزوای بیشتر سوریه در بین کشورهای خارج از محور مقاومت می‌شود. با شروع درگیری در سوریه از سال ۲۰۱۱ و قطع ارتباط کشورهای عرب منطقه با این کشور و همچنین با تشکیل احزاب کردی در سوریه و وخامت روابط این کشور با ترکیه در سطح منطقه، سوریه تنها با ایران از روابط پایداری برخوردار بوده است که به معنای انزوای سیاسی این کشور است. هر چند روابط این کشور با

اتحادیه اعراب اخیراً برقرار شده است. با این وجود روابط رژیم صهیونیستی با کشورهای عرب از انگیزه و شور بیشتر برای کشورهای عربی برخوردار است تا سوریه. از سمتی دیگر در صورت الحاق عربستان سعودی به توافق ابراهیم و با توجه به روابط سوریه با ترکیه این کشور از شمال و جنوب در حصر سیاسی - امنیتی - اقتصادی قرار می‌گیرد. (www.dw.com, 1402).

از بعد نظامی و امنیتی در یک نگاه کلان خاورمیانه قابل تقسیم به چهار محور قدرت است. چهار محور ایران، عربستان، ترکیه، و رژیم صهیونیستی، که از لحاظ هستی‌شناسی عناصر کلی قابل‌شناسایی و کنشگری در این منطقه هستند. این گزاره روشن‌کننده هندسه قدرت در منطقه نیز است. تا قبل از خروج آمریکا از منطقه به نظر می‌رسید که نظام موازنه قوا در این منطقه در حالت تعادل به سر می‌برد؛ اما با خروج تدریجی این کشور از منطقه محورهای پیش‌گفته سعی در تعریف نظام موازنه قوا بر اساس منافع خود کردند و با توجه به دلایل و منافع خودشان سعی در نزدیکی یا دوری از کشورهای خاصی داشتند. بر همین اساس دو محور عربی، عبری با توجه به دلایل پیش‌گفته به یکدیگر نزدیک شدند. این موضوع باعث تغییر هندسه قدرت در منطقه شده است (افشردی و مدنی ۱۳۸۸: ۱۳۸).

همان‌طور که گفته شد از جنبه‌های قابل‌توجهی نزدیکی اعراب و اسرائیل منجر به تغییر موازنه قدرت در منطقه است. این نزدیکی می‌تواند نظم و ساختار امنیتی منطقه را به ضرر محور مقاومت و سوریه تغییر دهد. در واقع، به رغم وجود شرکای منطقه‌ای سوریه، همسویی اهداف اعراب و اسرائیل موانع و مشکلاتی را برای سوریه ایجاد کرده است. اقداماتی نظیر حمله به سپاه قدس در سوریه، از بین بردن خطوط حمایت و پشتیبانی سوریه و معرفی آن به عنوان یک کشور حامی تروریست‌ها حاصل سیاست‌ها و لابی‌گری مشترک اعراب و رژیم صهیونیستی است. از سویی دیگر، حمایت آمریکا به ویژه در دوران ترامپ از اعراب و اسرائیل سبب شده تا آنها با آزادی عمل بیشتری اقداماتی را در سوریه انجام دهند و همین مسئله به تغییر موازنه قدرت در منطقه به نفع اعراب و اسرائیل منجر می‌شود. هر چند که وقوع این رویدادها بیانگر شروع تغییر نظام منطقه‌ای است (حمیدی فر و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۰).

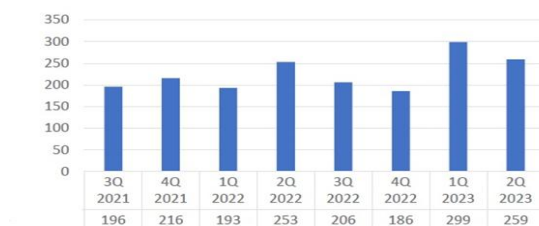
اسرائیل و کشورهای عربی، به ویژه پس از روی کار آمدن دولت ترامپ در آمریکا، در سطح منطقه‌ای و همچنین حوزه نظامی درصدد تشویق آمریکا برای به کارگیری مواضعی خصمانه‌تر از

دولت باراک اوباما نسبت به محور مقاومت به طور کلی و سوریه برآمدند. نقش سوریه در انتقال سلاح به لبنان و همچنین افزایش تنش در خلیج فارس بهانه های فشار حداکثری به محور مقاومت و سوریه بود. ایالات متحده آمریکا به رهبری دونالد ترامپ نیز تمام تعاملات منطقه ای را در راستای تقویت جبهه عربی - صهیونیستی شکل داد. ترامپ با اتخاذ سیاست فشار حداکثری و افزایش علیه محور مقاومت و به تبع سوریه کشورهای عرب به رهبری عربستان سعودی و اسرائیل را عملاً بیش از پیش زیر چتر حمایتی خود قرار داد.

عربستان از این که سوریه به عنوان تنها کشور عربی به صورت متحد راهبردی ایران درآمده پیوسته ناخشنود و خشم آگین است. سوریه برای سال ها نقش دروازه ورود ایران به جهان عرب و اتصال راهبردی ایران به منطقه مدیترانه و اروپا را داشته است. از این رو، تضعیف سوریه و سرنگونی اسد می تواند باعث تضعیف محور مقاومت و کاهش نفوذ منطقه ای ایران و مهار آن شود. همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق نیز به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه ای و بین المللی نمایان می سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین الملل، سوریه را بزرگ ترین کشور کوچک جهان می نامند. به عنوان مثال کشور عربستان سعودی تلاش بسیاری در این زمینه کرده است این کشور که فاقد ظرفیت نظامی برای مداخله مستقیم در سوریه است. از ثروت نفتی خود برای تجهیز نظامی شورشیان سوری استفاده کرده تا در صورت سقوط اسد اطمینان یابد که جایگزینش یک دولت سنی با روابط دوستانه است عربستان با حمایت از معارضان اسد و در پیوند با متحدان منطقه ای و فرامنطقه ای اش تلاش های خود را برای سرنگونی بشار اسد به کار گرفته است تا از این طریق ضمن کاهش قدرت محور مقاومت نقش و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران را در منطقه به حداقل برساند و از توان بازیگری آن در شکل گیری معادلات و نظم منطقه ای بکاهد (Giokaris, 2013, 2).

حمایت عربستان از گروه های سوری تا پیش از سال ۲۰۱۳ معمولاً به صورت مخفیانه صورت می گرفت. اما در سال ۲۰۱۳ عربستان سعودی پشتیبانی خود را از گروه ارتش آزاد سوریه به طور رسمی اعلام کرد. پس از تضعیف ارتش آزاد و موفقیت گروه های رادیکال، عربستان کمک های بیشتری را به سوی این گروه ها (جبهه النصره و داعش) روانه کرد. با این حال، عربستان همچنان به

حمایت‌های خود از ارتش آزاد سوریه ادامه می‌دهد و لابی عربستان سعودی در آمریکا موافقت این کشور برای پایان تحریم تسلیحاتی و ارسال سلاح برای جنگ در سوریه را کسب کرد. در همین زمینه تلفات غیر نظامی در سوریه از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ قابل توجه است.



نمودار ۵- تلفات غیر نظامیان در اثر درگیری‌های داخلی در سوریه بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳

(www.government.nl, 2023)

از طرف دیگر، مناقشات فرقه‌ای در سوریه توسط عربستان سعودی تقویت می‌شود و از هر گروهی که مخالف بشار اسد باشد، حمایت‌های مالی عظیمی صورت می‌گیرد. این حمایت باعث افزایش درگیری‌های نظامی و همچنین تعداد تلفات نظامیان در سوریه از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳ شده است.



نمودار ۶- تلفات ناشی از درگیری‌های مسلحانه ۲۰۲۳

(www.government.nl, 2023)

در یک نگاه کلی توافق ابراهیم باعث باز صورت‌بندی و شکل‌گیری جبهه واحد مالی نظامی در مقابل محور مقاومت است. هرچند که این جبهه قبل از این وجود داشته است، اما زیست آشکارا و عیان این جبهه باعث اثرگذاری بیشتر در سطح منطقه و همچنین باز صورت‌بندی نظم منطقه‌ای می‌شود (درج و امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۷: ۹۰).

در سند راهبردی ارتش اسرائیل تصریح شده است که اسرائیل به هیچ کشوری حمله نمی‌کند؛ اما اگر از ناحیه کشوری مورد تهدید قرار گیرد، به آن حمله خواهد کرد. در این سند دولت سوریه دولتی شکست‌خورده است که تهدید برای سوریه تلقی نمی‌شود. در این سند مناطق سرزمینی برای اسرائیل به دو عرصه درگیر و همکاری تبدیل می‌شود. به نظر می‌رسد که یکی از مهم‌ترین پیامدهای توافق اعراب و رژیم صهیونیستی سعی این رژیم در تبدیل سوریه به یک سرزمین خنثی در مرحله اول و پس از آن تبدیل به یک سرزمین همکار است. وابستگی کشورهای عربی به رژیم صهیونیستی در واقع مسیر عادی‌سازی را با روند آسان‌تری روبرو می‌کند و این رژیم می‌تواند با در دست گرفتن بازارهای کشورهای عادی ساز مسیر توسعه اقتصادی آن‌ها را تغییر دهد (fathomjournal.org, 2018).

از منظر ژئواکونومیک نزدیکی اعراب و رژیم صهیونیستی زمینه ایجاد همگرایی اقتصادی این کشورها و رژیم را فراهم می‌کند. مهم‌ترین نتیجه این همگرایی در سطح منطقه‌ای نزدیکی بیش‌ازپیش کشورهای امضاکننده توافق ابراهیم است. این همگرایی از طریق ایجاد یک کریدوری اقتصادی (آی پک) ایجاد می‌شود. در حالی که جزئیات این کریدور هنوز نامشخص است، تفاهم‌نامه طرح کلی اتصال شبکه ترانزیت کشتی به ریل را نشان داد که مکمل مسیرهای حمل‌ونقل دریایی و جاده‌ای (راه‌های عبوری از محور مقاومت) موجود است. زیرساخت‌های فیزیکی این پروژه شامل خطوط راه‌آهنی است که امارات متحده عربی را از طریق عربستان سعودی و اردن به اسرائیل متصل می‌کند، همچنین کابل‌های الکتریکی برای تقویت اتصال دیجیتال و لوله‌هایی برای صادرات هیدروژن پاک است (carnegieendowment.org, 2023).



شکل ۳- کریدور آیپک (frontline.thehindu.com, 2023).

این موضوع باعث افزایش فشار اقتصاد بر ایران و محور مقاومت و سوریه خواهد شد چرا که کریدور آی پک علاوه بر این که یک طرح با اهداف منطقه‌ای است، یک طرح رقیب برای ابتکار یک جاده و یک کمربند چین نیز است که از این مسیر می‌گذرد و سرمایه‌های بسیار خوبی را برای توسعه منطقه‌ای فراهم می‌آورد که در صورت اجرایی شدن طرح آی پک محور مقاومت از این سرمایه بی‌نصیب می‌ماند (frontline.thehindu.com, 2023).

اگر گذارهای پیش گفته را کنار هم قرار بدهیم به مثابه قطعات پازل در کنار هم این نکته را روشن می‌کند که یکی از نتایج و پیامدهای مهم توافق ابراهیم برای کل محور مقاومت و همچنین سوریه انزوای این آنها است. از لحاظ سیاسی با توجه به روابط تیره سوریه و ترکیه و همچنین حضور ارتش ترکیه در خاک سوریه که موجب تشدید تنش‌های موجود می‌شود که باعث ایجاد دورنمای همکاری دو کشور است. از سمتی دیگر با وجود توافق ابراهیم بین اعراب و رژیم صهیونیستی انزوای سوریه در سطح منطقه‌ای بیش از پیش خواهد شد. به طور خلاصه توافق ابراهیم باعث هم‌افزایی نیروهایی در منطقه می‌شود که باعث تغییر چهره آن می‌شوند. محور عبری - عربی هم اکنون به صورت آشکارا این توانایی را دارد که به مثابه دیگری محور مقاومت عمل کند.

تأثیر جنگ غزه بر امنیت ملی سوریه

درگیری و جنگ در غزه در شبکه پیچیده‌ای از تنش‌های سیاسی، نظامی و فرقه‌ای منطقه‌ای در سراسر خاورمیانه رخ می‌دهد. این یک اصل اساسی است که تحولات در یک منطقه اغلب پیامدهای گسترده‌ای برای ثبات و امنیت در کشورهای همسایه دارد. در مورد سوریه، راه‌های متعددی دیده می‌شود که از طریق آنها جنگ غزه ممکن است بر امنیت سوریه تأثیر بگذارد. در اولین مورد، تشدید تنش‌های منطقه‌ای باعث این موضوع می‌شود. تشدید درگیری بین اسرائیل و شبه نظامیان فلسطینی خطر تشدید خطوط گسل موجود و رقابت بین قدرت‌های منطقه‌ای درگیر در جنگ سوریه مانند ایران، اسرائیل و ترکیه را به همراه دارد. این می‌تواند بر تنش‌ها سرایت کند و سوریه را بیشتر بی‌ثبات کند (https://www.iirjournal.ir).

از طرفی دیگر این درگیری می‌تواند به تغییر اتحادها در منطقه بیانجامد. کشورها ممکن است مواضع و سطح حمایت خود را از بازیگران مختلف در سوریه تغییر دهند، زیرا وفاداری‌ها در

واکنش به رویدادهای در حال وقوع در غزه تغییر می‌کند. این موضوع می‌تواند بر توازن قوا تأثیر بگذارد که ذکر آن پیش از این رفت. کشورهایمانند ایران و ترکیه که از طرف‌های مخالف در سوریه حمایت می‌کنند، ممکن است مناطق جدیدی از اختلاف را به دلیل دیدگاه‌های متفاوت درباره غزه پیدا کنند و نفوذ مشترک آنها را تضعیف کند. این امکان نیز هست که کشورهای حاشیه خلیج فارس که با نقش ایران در سوریه مخالف هستند روابط خود را با اسرائیل تقویت کنند؛ زیرا به طور مشترک اقدامات حماس در غزه را محکوم می‌کنند. این می‌تواند کمک‌های مالی/نظامی بیشتری را به بازیگران ضدایرانی در سوریه هدایت کند. همچنین روسیه متحد کلیدی سوریه، ممکن است از روابط خود با اسرائیل برای فشار آوردن به امتیازات جدید از سوی مخالفان تحت حمایت خلیج فارس/ترکیه در سوریه استفاده کند (گل محمدی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۹-۹۲).

در سطح داخلی، جریان فرار پناهجویان از دیگر اثرات این جنگ است. بدتر شدن وضعیت بشردوستانه در غزه می‌تواند آوارگان بیشتری را به دنبال داشته باشد و شاهد هجوم پناهجویان به کشورهای همسایه مانند سوریه باشد که فشار بیشتری را بر امنیت ملی سوریه به همراه خواهد داشت. گسترش دخالت نیابتی‌ها نیز از اثرات این جنگ است. بازیگران منطقه‌ای ممکن است احساس کنند که مجبور هستند فعالانه از نیروهای نیابتی ستیزه‌جوی که در درگیری سوریه درگیر هستند تا حدی بالاتر حمایت کنند تا خسارات واقعی یا تصور شده از جنگ غزه را جبران کنند. کاهش توجهات دیپلماتیک نیز در سطح منطقه‌ای از دیگر اثرات این جنگ بر امنیت ملی سوریه است. از سمتی دیگر این جنگ می‌تواند بر تلاش‌های ایجاد صلح در این کشور اثر بگذارد. چراکه توجه بین‌المللی بر تلاش‌های آتش‌بس در غزه متمرکز می‌شود و فشار دیپلماتیک برای حل و فصل از بین می‌رود. از سمتی دیگر تمرکز و منابع بازیگران کلیدی دیپلماتیک می‌تواند به سمت رسیدگی به بحران فوری در غزه تغییر کند و به طور بالقوه ابتکارات دیپلماتیک مرتبط با سوریه را به تأخیر بیندازد یا تغییر دهد (<https://peace-ipsc.org>).

با این حال سوریه نقشه مهمی در درگیری جاری نداشته است. اگرچه سوریه همبستگی خود را با غزه اعلام کرده است، اما از تشدید تنش در مقیاس بزرگ علیه اسرائیل خودداری کرده است. واکنش رژیم سوریه به جنگ غزه دارای لفاظی‌های تند؛ اما اقداماتی محدود بود، زیرا نمی‌

خواهد از جانب حماس خطرات سیاسی و امنیتی را متحمل شود. سوریه تاکنون اقدام نظامی علیه اسرائیل را به گلوله باران پراکنده و حملات موشکی فرامرزی به بلندی‌های جولان اشغالی محدود کرده است. در مقابل ارتش اسرائیل به شلیک راکت به فرودگاه‌های سوریه در دمشق و حلب ادامه داده و آنها را از حالت استفاده خارج کرده است، ظاهراً برای جلوگیری از ورود جنگنده‌ها یا تسلیحات از ایران. اما اسرائیل تلاشی برای از بین بردن اهداف نظامی سوریه یا روسیه نکرده است. به ادعا آمریکا رژیم صهیونیستی به پایگاه نظامی ایران در سوریه حمله کرده است. با این وجود در حالی که بعید است خود دولت سوریه اقدام زیادی انجام دهد، شبه‌نظامیان مختلفی که در داخل این کشور فعالیت می‌کنند ممکن است با حمایت ایران و تقریباً مستقل از دولت سوریه عمل کنند و اقداماتی علیه اسرائیل انجام دهند (Schaer, Albam, 2023) (crisisgroup.org, 2023).

سطح داخلی

اختلافات فرقه‌ها همواره یکی از مؤلفه‌های شکل‌دهنده ژئوپلیتیک خاورمیانه بوده که منشأ آن را می‌توان عمدتاً در سیاست‌های بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای جستجو کرد. لینچ، استاد علوم سیاسی دانشگاه جورج واشنگتن، بر این عقیده است که: رهبران عرب و واشنگتن، رقبای خود را شیعه می‌نامند تا بتوانند راحت‌تر محور ایران، سوریه و حزب‌الله را تخریب و تضعیف کنند (Lynch, 2016, 1). در همین ارتباط، طی سال‌های گذشته ائتلاف عبری - عربی تلاش کرده است تا تعارضات فرقه‌ای و هویتی که عمدتاً از سوی عربستان به عنوان ابزاری جهت مقابله با ایران شیعی مورد استفاده قرار گرفته، تشدید کند. عربستان پیش‌تر به همراه سایر کشورهای عربی سیاست پان‌عربسم مذهب محور را دنبال می‌کرد. اما اکنون با همراهی اسرائیل، یک دولت غیرعربی، سعی دارد تا با قدرت و شدت مضاعفی ایدئولوژی فرقه محور را به پیش برده و با دوقطبی کردن جهان اسلام، محور مقاومت را در انزوا قرار دهد. حتی حمایت از گروه‌های تکفیری و رادیکال سنی در منطقه نیز بخشی در راستای تحقق این هدف انجام پذیرفته است. در رابطه با گسترش اختلافات هویتی در خاورمیانه، اسرائیل دو هدف مهم را جستجو می‌کند: نخست، کمک به افزایش تنش بین کشورهای عرب به رهبری عربستان با ایران با هدف به حاشیه راندن مسئله فلسطین و در نتیجه تداوم جنایات اسرائیل در نوار غزه و کرانه باختری؛ دوم، نزدیک شدن به

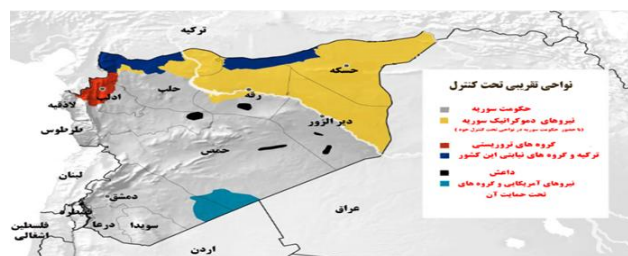
محور اعراب به رهبری عربستان با هدف تضعیف نفوذ و حضور ایران در منطقه. اسرائیلی‌ها انتظار دارند نتیجه این جدال‌های فرقه‌ها، استهلاک قدرت رقبا از جمله ایران و کشورهای عربی و احتمال گسترش فرایند واگرایی موجود و در نهایت تجزیه دشمنان باشد (Yuval Noah Harari, 2024, From Gaza to Iran).

حمایت علنی مقامات اسرائیلی از طرح تجزیه سوریه و عراق و همچنین سایر کشورهای منطقه در همین راستا قابل تبیین است؛ بنابراین، تشدید اختلافات فرقه‌ها و هویتی از سوی ائتلاف عبری - عربی در میان مدت و بلندمدت، نه تنها باعث تضعیف قدرت ایران خواهد شد، بلکه موجب می‌شود تا با ایجاد شکاف در جهان اسلام، اسرائیل بتواند ضمن تأمین امنیت خود، مشروعیتش را بین کشورهای اسلامی تا حدودی توجیه‌پذیر کند. علاوه بر این، تشدید اختلاف فرقه‌های مذهبی خود بسترهای منازعات در منطقه را تقویت کرده و به شیعه‌هراسی و شیعه‌ستیزی گسترده دامن خواهد زد. با توجه به تحریم‌های بین‌المللی به ویژه در رابطه با صدور نفت، افزایش تنش‌های منطقه‌ای هزینه‌های سنگینی برای ایران به همراه خواهد داشت و در صورت ادامه این روند ایران مجبور به عقب‌نشینی از حوزه‌های قدرت و نفوذ خود در منطقه خواهد شد (Armenak Tokmajyan and Kheder Khaddour (2024)).

همان‌طور که قبل از این توضیح داد شد دینامیک منطقه غرب آسیا متفاوت از دینامیک‌های در سطح جهانی است. چرا که با پایان جنگ سرد تنش‌های در این منطقه از جهان فروکش نکرد؛ بلکه بیشتر شعله‌ور شد. هویت، فرهنگ و مذهب از پویایی‌های این منطقه است. در همین راستا، طی سال‌های گذشته کشورهای عربی و اسرائیل تلاش کرده‌اند تا با تقویت تعارضات فرقه‌های مذهبی و هویتی، با محور مقاومت به مقابله برخیزند. با گسترش اختلافات هویتی در منطقه اسرائیل دو هدف عمده را دنبال می‌کند: نخست، کمک به افزایش تنش بین کشورهای عربی به رهبری عربستان سعودی با ایران و گروه‌های شیعی با هدف به حاشیه راندن موضوع فلسطین (که با توجه به توافق ابراهیم عملاً به این مهم دست یافته است) دوم، نزدیک شدن هرچه بیشتر به محور اعراب به رهبری عربستان با هدف تضعیف نفوذ و حضور جمهوری اسلامی ایران در منطقه. حمایت آشکار اسرائیل از طرح تجزیه عراق، سوریه و سایر کشورهای منطقه مبین این ماجراست. این مسئله نه تنها باعث تضعیف کشورهای شیعی می‌شود، بلکه در بلندمدت باعث ایجاد شکاف در

جهان اسلام می‌شود و در مقابل، اسرائیل راحت‌تر می‌تواند امنیت خود را در منطقه خاورمیانه تأمین کند (پیری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۹۰).

از دیگر پیامدهای توافق ابراهیم رشد گروه‌های افراطی در منطقه است. یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاست در منطقه غرب آسیا برای قرن‌های طولانی گروه‌های نیابتی در این منطقه بوده است. در دوران حاضر با توجه به امکان گسترش اطلاعات در سطح وسیع رشد این گروه‌ها نیز بسیار بیشتر شده است. دو بال رشد و گسترش این گروه‌ها در منطقه عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی است. گروه‌های رادیکال و افراطی که از سوی بسیاری از کشورهای عربی با حمایت مالی و از طرف دیگر کمک نظامی و لجستیکی رژیم صهیونیستی متولد و رشد پیدا کرده‌اند یکی از مهم‌ترین معضلات امنیتی محور مقاومت و به تبع کشور سوریه هستند. طیف گسترده‌ای گروه‌های افراطی در سوریه فعال هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی در ارتباط هستند. هرچند با شکست داعش بزرگ‌ترین گروه افراطی منطقه حضور مستقیم ندارد. اما با امضای توافق ابراهیم مهم‌ترین منابع تولید و گسترش گروه‌های افراطی در منطقه با یکدیگر شریک شده‌اند (پیری و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۹۰).



شکل ۴ - موقعیت گروه‌های تکفیری در سوریه (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۰)

هرچند اکنون با چندقطبی شدن منطقه و رشد فزاینده اختلافات ناشی از پذیرش یا عدم پذیرش عادی‌سازی رابطه با رژیم صهیونیستی مسلماً این گروه‌ها فشارهای زیادی ناشی از جنگ با محور مقاومت را متحمل شده‌اند، فرصت مناسبی برای تجدید قوا و رشد دوباره خواهند داشت. این رشد دوسویه است، از طرفی بسیاری از گروه‌های بنیادگرای اسلامی که در پی ایجاد فرصتی برای ضربه‌زدن و نابودی این رژیم بوده‌اند، با عادی‌شدن رابطه بسیاری از کشورهای عربی با این رژیم،

فعالیت خود را دوچندان خواهند کرد؛ بنابراین منطقه شاهد رشد متضاد و متقابل و حضور بیش‌تر آنها در منطقه خواهد بود و باعث خواهد شد منطقه خاورمیانه که در سالیان اخیر پیوسته ناآرام و پر آشوب بوده است، در سال‌های آتی نیز چشم‌انداز امنیتی مناسبی را قابل‌تصور نباشد و این امر به خصوص برای سوریه که در کانون درگیری‌های غرب آسیا است بار امنیتی گسترده‌ای چه در سطح ملی و چه منطقه‌ای را به همراه خواهد داشت (شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۴۰۰).

ائتلاف عبری - عربی تلاش کرده تا به شیوه‌های گوناگون محیط داخلی سوریه را ناامن کرده تا بدین ترتیب تا حدودی سیاست‌های فرامرزی این کشور را تعدیل کنند. تشدید تنش‌های هویتی و فرقه‌ای، حمایت از اقدامات گروه‌های تروریستی نظیر داعش در سوریه و ترغیب امریکا جهت افزایش فشارها و تحریم‌های سنگین اقتصادی با هدف ایجاد نارضایتی عمومی از جمله اقدامات این ائتلاف است. همکاری سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل با عربستان و در مقابل حمایت‌های مالی ریاض از گروه‌های معاند و تروریستی ترکیب و ماهیت اصلی ائتلاف دو کشور را در زمینه ایجاد ناامنی در سوریه شکل می‌دهد.

در همین ارتباط، ریاض ضمن حمایت شدید از تحریم‌های نفتی امریکا علیه سوریه با هدف تضعیف وضعیت اجتماعی و تشدید تنش‌های داخلی، حمایت از قاچاق اسلحه و مهمات انفجاری جهت خرابکاری، ترور نیروهای نظامی و امنیتی و تخطئه امنیت داخلی جهت کاهش سرمایه‌گذاری خارجی را نیز در دستور کار خود قرار داده است.

به موازات کاهش حضور آمریکا در منطقه قدرت رژیم صهیونیستی نیز رو به افول گذاشته است به گونه‌ای که توانایی این رژیم در مقابل با چالش‌ها مانند قبل نیست بر همین اساس گزینه‌های این رژیم بسیار محدود است و توانایی کمی برای اثرگذاری بر تحولات سوریه دارد. در مرحله اول خواسته مطلوب و آرمانی رژیم برای سوریه بالکانیزه کردن این کشور است. اسرائیل آگاه است که در صورت رفتن اسد و حفظ یکپارچگی سوریه بالقوه‌ترین گروه برای حکومت سوریه گروه‌های اخوانی در این کشور هستند. بر همین اساس در صورت دست نیافتن به هدف بالکانیزه کردن سوریه، این رژیم به دنبال یک حکومت ضعیف و ناتوان در این کشور است. بر همین اساس رژیم خواهان یک حکومت ضعیف در سوریه است. چرا که هدف اساسی رژیم در نابودی محور مقاومت در منطقه با وجود کشورهای موافق و یا لااقل خنثی امکان‌پذیر است.

دستگاه امنیتی اسرائیل قبل از جنگ سوریه معتقد بود که سوریه ضعیف‌ترین حلقه محور مقاومت است (foreignaffairs.com, 2017). با این وجود حضور رژیم صهیونیستی در جنوب سوریه به ویژه پس از پایان داعش به طور مؤثری افزایش پیدا کرده است. به اقرار سیاست‌گذاران این کشور این رژیم هم اکنون توانایی تغییر وضعیت در جنوب سوریه را دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امضای توافق ابراهیم غرب آسیا را وارد مرحله نوینی کرده است. این توافق اثرات بسیار متفاوتی در سطح بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی دارد. یکی از ابعاد مهم این توافق عادی‌سازی روابط اسرائیل بر سوریه است. آنچه که در این پژوهش به آن پرداخته شد تأثیر این عادی‌سازی بر امنیت ملی سوریه است.

پس از جنگ داخلی سوریه این کشور تبدیل به یک دولت ورشکسته شده، که این موضوع باعث کاهش توان دولت سوریه شده است. از سمتی دیگر اتحادهای منطقه‌ای و بین‌المللی سوریه مهم‌ترین عامل حفظ این کشور از نابودی و تجزیه کامل بود. این گزاره‌ها به عنوان مهم‌ترین واقعیت‌های پس از جنگ داخلی سوریه است. با شروع روند عادی‌سازی تحت عنوان توافق ابراهیم بین اعراب و رژیم صهیونیستی و همچنین جنگ و درگیری نبایستی بین ایران و اسرائیل که بخشی از آن به سوریه نیز کشیده شده است. این گذاره تقویت می‌شود که عادی‌سازی روابط بیشترین تأثیر را به سطح بین‌المللی و منطقه‌ای سوریه دارد. مقوله قطبش که در چهارچوب نظری مورد بحث قرار گرفت ناظر بر همین موضوع است.

با کاهش حضور آمریکا در منطقه تحت سیاست موازنه ساحلی و افزایش حضور آمریکا در آسیای شرقی، نوعی از خلأ قدرت در این منطقه به وجود می‌آید. اما با این شرایط اسرائیل هنوز متحد استراتژیک آمریکا در منطقه است. از طرفی با وقوع جنگ اوکراین و تأثیر آن بر نظم بین‌المللی و همین طور اختلاف بین اسرائیل و روسیه باعث نزدیکی بین سوریه می‌شود. همین موضوع باعث افزایش قطبش در سطح بین‌المللی است که تأثیر آن بر سوریه است. در عین حال افزایش درگیری‌های منطقه‌ای باعث کاهش حضور اقتصادی قدرت‌های بزرگ و همچنین طرح‌های همانند آی پک است.

همین موارد باعث ایجاد چالش‌های بزرگی در سطح بین‌المللی می‌شود که دولت سوریه به عنوان یک دولت ورشکسته توانایی مقابله با آن را ندارد و در عین حال برای مقابله با این چالش‌ها نیاز به متحدان استراتژیک خود دارد که این امر باعث وابستگی بیشتر این دولت به متحدان خود می‌شود. به گونه‌ای که عملاً تأمین امنیت ملی این کشور مشروط به قدرت‌های بزرگ می‌شود. این موضوعی است که خواست اساسی اسرائیل یعنی وجود یک دولت ضعیف در سوریه است. با وجود موارد فوق ذکر این نکته مهم به نظر می‌رسد که با افزایش جنایت جنگی ارتش اسرائیل در غزه حمایت آمریکا از این رژیم کاهش پیدا کرده است طوری که دولت بایدن خواهان تأسیس یک بندر در غزه برای ارسال کمک به این باریکه شد. همه این موارد حاکی از اهمیت سطح بین‌المللی و منطقه‌ای است.

بر همین اساس در مقابل این عادی‌سازی‌ها که شکل شفاف‌تری به آرایش‌های سیاسی منطقه می‌دهد و همکاری‌های امنیتی و نظامی کشورهای محافظه‌کار منطقه با رژیم صهیونیستی را از حالت پنهانی به آشکار تبدیل کرده، لذا نیازمند راهکارهایی در این زمینه در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای است. اولین راهکار پیشنهادی افزایش همکاری‌های بین سوریه و شرکای منطقه‌ای این کشور از جمله ایران و گروه‌های مقاومت در سطح منطقه‌ای است. دومین راهکار افزایش همکاری امنیتی بین دولت سوریه و شرکای بین‌المللی این کشور همانند روسیه و چین است. در این زمینه اقداماتی همانند تأسیس پایگاهی نظامی این کشورها در سوریه باید در دستور کار قرار گیرد. سومین راهکار پیشنهادی در این زمینه تأسیس یک سازمان امنیتی - نظامی منطقه‌ای یا بین‌المللی حول محور مقاومت است. به نظر می‌رسد که با توجه به خلاء قدرت در این منطقه این راهکار از مهم‌ترین و قابل‌توجه‌ترین راهکارها است. به عنوان راهکار پیشنهادی آخر به برقراری و افزایش ارتباط با کشورهای عربی برای فشار به آمریکا برای کاهش درگیری بین سوریه و اسرائیل می‌توان اشاره کرد.

فهرست منابع

- آدمی، علی؛ نظیفی، نازنین و بیژن، علی. (۱۳۹۷). اسرائیل و عربستان سعودی: عصر جدید از همکاری دو جانبه، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، ۱۱۹-۲۷۷.
- ارایش، حسن؛ حسینی راد، سید عباس؛ حسینی راد، سید یوسف. (۱۴۰۱). علل و ابعاد نزدیکی اعراب و اسرائیل. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۴۴ (۱۲ صفحه - از ۶۱ تا ۷۲).
- افشردی، محمد حسین و مدنی، سید مصطفی. (۱۳۸۸). ساختار نظام قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه (با تأکید بر کشورهای برتر منطقه). برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره ۱۳، شماره ۳ (پیاپی ۶۲)، صفحات: ۱۱۳-۱۴۲.
- احمدیان، جاودانی مقدم. (۱۴۰۲). ارزیابی سیاست خارجی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی و بازتاب آن بر امنیت ملی جمهور اسلامی ایران. نشریه علمی مطالعات انقلابی اسلامی، دوره ۱۹، شمار ۶۸، صص ۱۳۳-۱۵۴.
- اختیاری امیری، رضا؛ رشیدی، احمد؛ سلطانیان، عبدالله. (۱۳۹۹). ائتلاف دوفاکتو عبری-عربی و امنیت ج. ا. ایران. فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان. ۹ (۱). ۱۰۱-۱۲۵.
- بابایی، محمد، یوسفی، میرعلی. (۱۴۰۰). تأثیر پیمان صلح آبراهام (ابراهیم) بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه، فصلنامه علمی مطالعات فرهنگ دیپلماسی، سال اول، شماره ۱، ۱۴-۹۲.
- پیری، حیدر، معتضد راد، آناهیتا، فتاحی شهرام. (۱۴۰۲). عادی‌سازی روابط اعراب و رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. سیاست خارجی، دوره ۳۷، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱۴۵، صفحه ۱۸۱-۲۰۰.
- تبشیری، حمیدرضا؛ رفیعی بصیری، مرتضی. (۱۴۰۱). تحلیل نظری بر شکل‌گیری توافقنامه ابراهیم. فصلنامه شاهد اندیشه، دوره سوم، شماره ۲، پیاپی ۶، ۲۹۰-۳۱۴.
- حمیدی فر، حمیدرضا؛ عباسی، مجید؛ کهریزکی، فاطمه (۱۳۹۸). نقش بحران سوریه در واگرایی روابط ایران و ترکیه: تقابل دو راهبرد متفاوت در مدیریت بحران در منطقه خاورمیانه. سیاست بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۵، صفحه ۱۱۳-۱۳۷.
- درج، حمید و امام‌جمعه زاده، سید جواد. (۱۳۹۷). تجزیه و تحلیل رویکرد عربستان سعودی نسبت به تحولات سوریه.
- شورای روابط خارجی. (۱۴۰۰). جریان شناسی گروه‌های تروریستی فعال در سوریه در: <https://csr.ir/fa/news/>
- دشتی، فرزانه؛ ابراهیمی، ساجده؛ مکرمی پور، لایقی، سامیار. (۱۴۰۲). بررسی روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل. مطالعات سیاسی بین‌النهرین، دوره دوم، شماره اول، ۷۹-۱۰۳.

زارغان، احمد. (۱۳۹۸). تأثیر عادی‌سازی روابط عربستان و رژیم صهیونیستی بر جبهه مقاومت. مطالعات راهبردی جهان اسلام، شماره ۷۸، (۱۳۵ تا ۱۶۲)

زیبایی، مختار؛ نصری، زبیره؛ رستمی، فرزاد. (۱۴۰۰). پیامدهای فرایند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا. ایران. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۱۰، (۳)، ۳۱-۶۳.

سانیار، میکائیل (پیامدهای سیاسی و اجتماعی جنگ غزه در مجموعه امنیتی خاورمیانه). در لینک: <https://www.iirjournal.ir/>

گل محمدی، ولی؛ سجادیپور، سیدمحمدکاظم و موسوی شفقانی، مسعود. (۱۳۹۵). اردوغانیسم و فهم سیاست خاورمیانه‌ای ترکیه. مطالعات راهبردی، ۱۹ (۲) (مسلسل ۷۲)، ۶۹-۹۲.

مقومی، امیررضا. (۱۳۹۹). اهمیت پروژه عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل برای واشنگتن. اندیشکده راهبردی تبیین قابل مشاهده در: <https://tabyincenter.ir/print=38961>

ملکی، محمدرضا؛ محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، ۱۷ (۳)، ۴۵-۶۴.

ملکی و محمدرضا و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد. (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، دوره ۱۷، شماره ۳ - شماره پیاپی ۶۷، صفحه ۴۵-۶۴.

نصری، قدیر. (۱۳۹۰). تأملی نظری در یافته‌ها و دشواری‌های «باری بوزان» در بررسی امنیت. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارده، شماره چهارم، ۱۰۶-۱۳۴.

- Derrick Frazier, Robert Stewart-Ingersoll (2010). Regional powers and security: A framework for understanding order within regional security complexes. European Journal of International Relations. Volume 16, Issue 4. 732-750.
- Buzan, Barry; Wæver, Ole (2003). Regions and Powers: The Structure of International Society. Cambridge, United Kingdom: The Press Syndicate of the University of Cambridge. pp. 6-20, 41-47, 77-82. ISBN 0 521 81412 X.
- Gupta, M. (2010) Indian Ocean Region: Maritime Regimes for Regional Cooperation, London: Springer p 52.
- academic-accelerator.com (2023). Regional Security Complex Theory Encyclopedia, Science News & Research Reviews from: <https://academic-accelerator.com/encyclopedia/regional-security-complex-theory>
- Buzan, Barry (1991). New Patterns of Global Security in the Twenty-First Century. International Affairs (Royal Institute of International Affairs 1944-) Vol. 67, No. 3 (Jul., 1991), pp. 431-451.
- Koch, Bettina and Stivachtis, Yannis (2019). Introducing Regional Security in the Middle East. From: <https://www.e-ir.info/2019/05/11/introducing-regional-security-in-the-middle-east/>.

- Jones, Clive, Guzansky, Yoel (2020), *Fraternal Enemies: Israel and the Gulf Monarchies*, Oxford University Press.
- Paper, Term (2018). *The Depiction of USA, Israel and the Gulf States as Enemies from Iran Has it been successful?*. University of Passau. Munich.
- Fulton, Jonathan (2020). *Implications of the Israel-UAE Peace Deal*. www.jstor.org.
- Segev, T. (2000). *One Palestine, Complete: Jews and Arabs under the British Mandate*, New York: Metropolitan Books.
- Lesch, A. M., Tschirgi, D. (1998). *Origins and Development of the Arab Israeli Conflict*. New York: Greenwood Press.
- Fraser, T. G. (1980). *The Middle East: 1914 1979*, New York: St. Martin's Press.
- Smith, C. D. (2004). *Palestine and the Arab Israeli Conflict: A History with Documents*, Boston: Bedford/St. Martin's.
- Morris, B. (2008). *1948: A History of the First Arab Israeli War*. New Haven, Conn.: Yale University Press.
- Quandt, W. B.)2005(. *Peace process: American diplomacy and the Arab Israeli conflict since 1967*, Third edition. Washington DC and Berkeley, CA: Brookings Institution Press and University of California Press.
- Feierstein, G. M. (2018). *Trump's Middle East Policy at One Year*. Middle East Institute Policy Focus, March, at: https://www.mei.edu/sites/default/files/publications/PF2_Feierstein_US%20Foreign%20Policy_0.pdf.
- www.osw.waw (2023). *Israel and the Arab states: between conflict and interdependence*. In: <https://www.osw.waw.pl/en/publikacje/osw-commentary/2023-04-04/israel-and-arab-states-between-conflict-and-interdependence>.
- www.washingtoninstitute.org (2022) *Arab Public Opinion on Arab-Israeli Normalization and Abraham Accords* . <https://www.washingtoninstitute.org/policy-analysis/arab-public-opinion-arab-israeli-normalization-and-abraham-accords>.
- crsreports.congress.gov , (2023). *Syria and U.S. Policy* .<https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF11930>.
- sgp.fas.org , (2022). *Armed Conflict in Syria: Overview and U.S.*
Response . <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RL33487.pdf>.
- El-Hokayem , Emile (2010). *Hizballah and Syria: Outgrowing the Proxy Relationship*. *The Washington Quarterly*. Pages 35-52 | Published online: 05 Jan 2010 in: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1162/wash.2007.30.2.35>.
- www.tandfonline.com (2018). *The Unfulfilled Potential of*

- Israel's Relations with Arab Countries . https://mitvim.org.il/wp-content/uploads/Conference_summary__The_unfulfilled_potential_of_Israels_relations_with_Arab_countries_-_June_2018-1.pdf.
- Giokaris, John.)2013(. Syria Facts: The Complete Guide to Allthe Global PlayersInvolved in the Syrian Conflict, available on WWW. Polycymic.com/.../ Syria- facts- the- Complete-Guide- to- all- theglobal August 29, 2013.
- besacenter.orgT (2018). Israel's Strategic Goal in Syria. <https://fathomjournal.org/the-war-between-wars-israel-vs-iran-in-syria/>.
- carnegieendowment.org. (2018). The India-Middle East-Europe Economic Corridor (IMEC): Too Little, Too Late? . <https://carnegieendowment.org/sada/91214>.
- frontline.thehindu.com. (2023) . India-Middle East-Europe Economic Corridor: A passage of possibilities. <https://frontline.thehindu.com/world-affairs/how-the-india-middle-east-europe-economic-corridor-opens-up-a-passage-of-possibilities/article67344064.ece>.
- foreignaffairs.com (2017). Israel Draws a Redline in Syria. <https://www.foreignaffairs.com/articles/middle-east/2017-12-14/israel-draws-redline-syria>.
- General Country of Origin Information Report Syria (August 2023). <https://www.government.nl/documents/reports/2023/08/07/general-country-of-origin-information-report-syria-august-2023>.
- crisisgroup.org (2023)." The Gaza War Reverberates Across the Middle East". In: <https://www.crisisgroup.org/middle-east-north-africa/east-mediterranean-mena/israelpalestine/gaza-war-reverberates-across>.
- Cathrin Schaer, Omar Albam (2023). "What role does Syria play in the Hamas-Israel conflict?". In: <https://www.dw.com/en/what-role-does-syria-play-in-the-hamas-israel-conflict/a-67399322>.